

## چگونگی اعدام پیر لاوال نخست وزیر فرانسه

آقای Alber Naud در یادداشت‌های خود ذکر کرده است که چون آخرین بار فقط و کلاه لاوال بوده‌اند که او را ملاقات نموده‌اند وی مورد سوءظن کمیسر پلیس و چهار نفر بازرس قرار می‌گیرد که در رسانیدن زهر دستی داشته است اما پس از قرائت نامه صریح لاوال تاحدی از وکلاء مدافع رفع شبهه بعمل می‌آید .

آقای Mornet دادستان تلاش می‌کند که وضع لاوال بهبود یابد تا بتواند حکم صادره را بموقع اجراء بگذارد ! باین نیت بسوی دکتر Paul پزشک قانونی می‌رود و اظهار می‌دارد :

« باید از او مواظبت کرد. » پزشک قانونی بدادستان جواب می‌دهد: « بگذارید تا مسموم بمیرد » و بعد اضافه می‌کند که « من از مردگان کالبد شکافی می‌کنم و در درمان زنده‌ها دخالتی ندارم، با شنیدن پاسخ قطعی آقای دادستان از پزشکان زندان می‌خواهد که بمعالجه لاوال اقدام نمایند و آقای Marmonteil رئیس بهداری زندان باتفاق دو نفر همکاران خود برای نجات جان لاوال دست بکار معالجه میشوند .

آقای Naud می‌نویسد در موقع شروع بمداوا چشمان لاوال بسته و قیافه‌اش کبود و موهایش بر اثر ریزش عرق بر پیشانی‌ش چسبیده و صدای خرخر بلند او در تمام دژ طنین انداز بود .

شستشوی معدی باقرار دادن لوله بزرگی از کائوچو در دهان لاوال که در حال احتضار بسر می‌برده آغاز میشود و بر اثر ادامه کار حالت استفراغ شدید بمسموم دست می‌دهد .

آقای دادستان خطاب بوکلاء اظهار می‌دارد که چون قلب لاوال در سینه می‌تپد و وی بحکم قانون معدوم نشده است لذا من موظف باجرای رأی صادره هستم .

آقای Naud خطاب بدادستان می‌گوید :

اگر لاوال باید تیرباران شود لازمست که در کمال هوشیاری و تندستی حکم صادره در باره‌اش اجراء گردد .

دکتر Paul پزشک قانونی نیز به آقای دادستان اعتراض نموده و می‌گوید :  
قانون مجازات بشما اجازه نمیدهد تا حکم اعدام درباره شخصی که قادر باظهار کوچکترین مطلبی در مورد جرم انتسابی بخود نیست اجرا سازید

مقارن ساعت ۱۰ صبح همانروز - ۱۵ - اکتبر ۱۹۴۵ بعد از شستشوی مرتب معدی

لاوال موفق به بیان این چند کلمه میشود که :

مایل نیست با گلوله‌های سر بازان فرانسوی جان بسپارد

«Je en veux pas mourir sous les balles Francaises»

لاوال بعد از اندک مدتی اظهار میدارد :

«قبل از مردن در برابر خداوند و اشخاص حاضر سوگند یاد مینماید که زهر را از سال ۱۹۴۴ در اختیار داشته و بهیچوجه نه و کلاه نه مسراجمین و نه فامیلش در تهیه آن مقصر نیستند .»

در ساعت ۱۱ صبح اطباء گواهی میکنند لاوال از خطر مرگ رهایی یافته است و از سلول خارج میگردد .

در اینموقع فقط و کلاه مدافع و آقای Mousen کشیشی که برای انجام مراسم مذهبی احضار شده در زندان حضور دارند، کشیش نامبرده بسوی لاوال خم شده و اظهار میدارد: آقای نخست وزیر شاید هنگام آن فرارسیده باشد که بخاطر خطاهاییکه ممکن است مرتکب شده باشید از خداوند درخواست مغفرت نمائید و لاوال با آرامی پاسخ میدهد آری و بعد با صدای بلند فریاد میزند: «اما لازمست که دیگران نیز از خداوند طلب مغفرت نمایند» بعد از انجام مراسم مذهبی لاوال شروع به پوشیدن لباس مینماید و انجام این امر دائماً بر اثر استنراغ و احساس عطش قطع میشود ولی کم کم نیروی از دست رفته‌اش اعاده میشود. آقای Naud نقل میکند سرهنگی که مأمور اجرای حکم اعدام است از وی پوزش خواسته و میگوید دستور صریح برای اجرای حکم دارد زیرا لاوال سلامت خود را باز یافته و باید اعدام گردد .

لاوال از کلنل Bouquet فرمانده اجرای حکم درخواست مینماید که با او اجازه داده شود تا فرماندهی جوخه اعدام را شخصاً بعهده بگیرد ولی پاسخ میشنود که وی از انجام چنین تقاضائی معذور است. لاوال ادامه میدهد که اینکار سابقه دارد و به Pucheu (وزیر سابق کشور فرانسه که در الجزایر محاکمه و با اعدام محکوم شده . مترجم) همین اجازه را داده بودند مجدداً کلنل بیان میکند که این امر در الجزایر اتفاق افتاده و او در این مورد مجاز نیست. بناچار لاوال از تعقیب موضوع صرف نظر و تقاضا مینماید که چشمانش را ببندند و کلنل موافقت میکند لیکن در برابر این درخواست که اجازه بدهند دستهایش بسته نشود گفته میشود امکان پذیر نیست .

نزدیک ظهر لاوال پیشنهاد اینکه او را روی صندلی بنشانند و تحت نظر مراقبین تا جایگاه اعدام منتقلش سازند ردو عنوان میکند که من و کلائی دارم که بمن کمک کنند .

لاوال بوکیل خود سفارش میدهد که پخانواده‌اش بگوید وی رنج و محنتی متحمل نشده است و لو آنکه آنها باور نکنند در این اثنا لاوال از پنجره اتومبیل مقتل خود را می بیند و

با اشاره اظهار میدارد تا آن نقطه دور نیستیم و بعد از لحظاتی اتومبیل بین ماشین نقش و جوخه اعدام متوقف میگردد .

نزدیک تپه مشرف بمحل اعدام از جمعیت سیاه شده و پلیس در همه جا مستقر و تیر اعدام در بین دودرخت تیریزی هویدا است .

لاوال بدون اعتنا از سر نوشت غم انگیز خود از اتومبیل زندان بگونه ای که از اتومبیل شخصی خارج میشود پا بر زمین میگذارد ، دستهایش در جیب پالتویش میباشد و با سر برهنه مستقیماً دیوار محوطه را نگاه میکند ، وی بوکیل مدافع خود بارادوگ میگوید هیأت قضات کجا هستند؟ و برای حاضرین این جمله را تکرار مینماید آقایان مر نه و بوشاردن (دادستان و بازپرس محکمه عالی انقلابی) که خود را دور از انتظار در عقب اتومبیل نقش کش مخفی ساخته اند از روی ناچاری بصورت مردگان بجلو می آیند و لاوال با آنان مینگرد و به تندی میگوید: « آقایان قضات مایلم بسادگی بشما بگویم که بخاطر رضایت دادن بچنین عملی از شما شاکیم .»

در این گفت و شنود مخاطبین سر بزیر انداخته اند و از نگرستن به لاوال خود داری میکنند ، در این موقع لاوال به سر بازان جوخه اعدام که کاسکت انگلیسی بر سر داشته اند میگوید من معدوم میشوم زیرا وطنم را بیش از حد دوست داشته ام از شما تقاضا دارم که قلب مرا هدف قرار دهید

**je meurs parce que j' ai trop aimé ma patrie. je vous demande de frapper au cœur .»**

و با قدمهای موزون راهی تپه ای که محل اعدام است می شود . قدمهایش طبیعی است نه تند میرود و نه کند و در پایان باوضع موقری بچوبه اعدام تکیه میزند ، قبلا قرار بوده است که يك صندلی برای نشستن لاوال در زیر چوبه اعدام قرار دهند ولی او درخواست میکند که آنرا بردارند چه بعقیده وی : « یکنفر نخست وزیر فرانسه باید ایستاده جان بسپارد .»  
مأمورین دستهایش را می بندند و و کلاه در برابرش قرار میگیرند هر يك از آنها او را می بوسند دردم آخر لاوال خطاب بو کلاه مدافع خود اظهار میدارد « از من زیاد فاصله نگیرید چه مایلم بهنگام مردن شمارا بنگرم»

بالاخره همه چیز با سرعت انجام میگیرد و سر بازان قراول روی میکنند اما قبل از صدور فرمان آتش لاوال فریاد میزند « **Vive la France** » و متعاقباً شلیک گلوله هاو تیر خلاص فرمانده بحیات نخست وزیر زمان جنگ دوم فرانسه خاتمه میدهد .

**Baraduc** در صفحه ۲۲۳ کتاب خود نوشته است با شلیک گلوله ها تمام زندانیان

فریاد میزند : ( قاتلین ! ) و زنده باد لاوال

«Toute la prison hurle assassins, et vive Laval» ماجرای

اعدام لاوال آنچنان حماسی بوده است که ژنرال دوگل در خاطرات خود ضمن تشریح جریان محاکمه وی و اشاره بنا سزاگوئیهای هیأت منصفه و امتناع لاوال از حضور در جلسه دادرسی تا پایان صدور حکم محکومیت و عدم تجویز تجدیدنظر و یا صدور حکم عفو باظهار نظر پرداخته و سرانجام چنین توضیح داده: «پیر لاوال با قدمهایی محکم بسوی چوبه اعدام رفت و شجاعانه جان سپرد»

«Pierre Laval marcha d'un pas ferme et mourut»

«Courageusement»

بقیه از صفحه ۳۶۳

موسیقی و آهنگ و چه از جهت خواندن و پروراندن آن بانوایی لطیف و روح نواز و آهنگی موزون و موافق ضرب و ساز کدام است و این عریضه‌های دل آشوب جان گسل و شبه توپ و تفنگ بی‌وزن و بی‌لحن و کج آهنگ، با آن بحر طویل‌های عامیانه و سخنان بین‌الائین جاهلانه و آن سازهای ناموزون خارج از بدترین مخارج چیست؟

اکنون بجاست که از آن طرف موضوع یعنی از طرف تفریط و تعصب و تحجر و عدم انعطاف شعرای سنی قدیمی نیز سخنی بمیان آوریم و دو جهت افراط و تفریط یا تقابل و تضاد را مورد لحاظ قرار دهیم و بعرض برسانیم که هنوز در آن حد از راه وسط یا اعتدال هستند کسانی که هم امروز در احلامی از آنسوی قرون و اعصار بسر میبرند و پای اندیشه و عمل از اریکه و محدوده ابتدائی شعر فارسی فروتر نمیگذارند و همچنان از شعر ابوالعباس مروزی و منجیک ترمذی نسخه برداری میکنند و سرمشق میگیرند و خود را ابدأ مجاز و معذور به تنبیر کلمه‌ای ملازم یا تنبیر زبان و سخنی مناسب با اوضاع زمان نمیدانند، تا آنجا که هرگاه شاعری در اعصار اولی سخن در تنگنای شعر و مقام عسر و حرج کلمه (هرگز) را، بصورت (هگرز) در آورد، آن لغزش را هم بحکم استادی و پیش‌کسوتی او از لوازم سخن سخنی سخته و سنجیده می‌شمارند، و آنرا بلفظ در سخن امروزی خود که باید مفهوم و مورد پسند اهل فن باشد بخلاف مفهوم فصاحت بکار میبرند. و همچنین (قرمیز) و (بهمانا) و (بعدلی) را که مسخ گونه‌ای از (قرمز) و (بهمانی یا همان) و (ابوعبدالله) است با حفظ ترکیب، استعمال میکنند آنها را از موارد تقلید ذهنی و عکس برداری عینی از قدهاء (که آنرا هنری مشکل می‌شمارند بحساب می‌آورند)، و شاید (الفغدن) و (الفنجیدن) مخصوص بروزگار و محل مخصوص ناصر خسرو را. (نا تمام)